

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

راهِ ناپیدا

ای خوش آن شبها که همراهِ تو در مهتابها
بی قــــرارِ یها کنیم و کشتی شوق افکنیم
از می و جام و صراحی و دف و چنگ و سرود
یا تو بنشینی و من، برخــــاسته، پاروزان
یا تو برخیز و من بنشسته، اندر پای تو
یا تو بکشائی نظر بر صفحهٔ خاموش آب
یا تو بر بندی کمر، بر عزم مستی و سرور
از خــــلال موج مویت، پرتو سیمین ماه
با ســــرگیسوی تو بازیکنان از تار دل
سجده ها بر طاق ابرویت کنم از شوقها
تابها بر کــــاکلت افتاده باشد سر به سر
آنقدر افسانه ها گــــویم به گوشت از جنون
تو به خواب اندر شوی و من ز خود بیرون روم
بسپریم راهی که ناپیدا است انجامش به چشم

در دل دریاچه ای آرام، چون سیمابها
همچو نیکیها، به صد امید در گردابها
دسته ها گیریم با خود، این چنین اسبابها
پیشتر رانــــم، به تو گویم ز الفت بابها
جامها بر سر بیــــارم، از شراب نابها
یا من آهنگ حــــزینی سر کنم با آبها
یا من از مستی کــــنم در گوش تو آلابها
سیمگــــون افتد به روی موجهای آبها
نغمه ها سازم برون با ناخــــن مضرابها
همچو شیخ معتکف در گوشهٔ محرابها
من خــــورم پیشت چو مرغ کشته پیچ و تابها
تا بَرَد آخر ترا بر زانــــوی من خوابها
تا بَرَد ما را چنــــن، از بیخودیا آبها
عشقها ورزیم در این ورطهٔ نایابها

زندگی گــــردابها دارد «اسیر»، ار ساعتی

وارهیم از این همه گــــردابها، سیلابها

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، ۱۷ قوس ۱۳۳۷ ش)